

**به اطلاع مخاطبان گرامی می‌رسد:**

ما هنامه سراسری فیلم کاودر سوگ و احترام به خون‌های پاک شهدای این ایام و در همدردی با خانواده کودکان معصومی که ناجوانمردانه قربانی جنایت‌های رژیم جعلی و تروریستی صهیونیستی شدند، از انتشار شماره جدید خود در این ماه صرف‌نظر کرده و انتشار آن را به ماه آینده - مردادماه - موکول می‌کند.



**آغوشی برای عاشورا!**

## وقتی مادران البرز، سربازان آینده را به میدان آوردند



**شهادت مسئول روابط عمومی سپاه البرز**

سرهنگ پاسدار شهید رمضان‌علی چوبداری مسئول خدوم و پرتلاش روابط عمومی سپاه امام حسن مجتبی علیه‌السلام استان البرز در پی حمله ددمنشانه و ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی، به فیض عظیم شهادت نائل آمد. شهید چوبداری، از جمله پاسداران سرفرازی بود که در سال‌های خدمت خود در عرصه روابط عمومی، با صبوری، متانت، اخلاق نیکو و مهربانی کم‌نظیرش، نقشی برجسته در ایجاد تعامل مؤثر با اصحاب رسانه ایفا کرد. همه آن‌هایی که با او همراه و همدل بودند، از بزرگواری، فروتنی و روح بزرگش خاطره‌ها دارند.



عکس: محمد مهدی پور عرب



# یاد و خاطره شهدای عزیزمان را در حمله جنایتکارانه رژیم جعلی صهیونیستی و شیطان بزرگ به خاک وطنمان در مدت ۱۲ روز دفاع مقدس، به ویژه فرماندهان، پاسداران، دانشمندان، مردان، زنان و کودکان بی دفاع را گرمی می داریم.

۲

رویداد

دنیایک سوادار

شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۱

حرف اول

از آوار سرچشمه تا سایه های نفوذ؛

## یک روایت خونین



تا امروز، از ترور دانشمندان هسته‌ای گرفته تا هدف‌گیری مقامات نظامی، از یورش رسانه‌ای تا عملیات روانی در شبکه‌های اجتماعی، رویکرد خود را تغییر نداده است: آشوب از درون، فرسایش از بیرون. اما ایران نیز ایستاده. نه از سرانجام، بلکه به اتکای حافظه تاریخی، مشروعیت اخلاقی و انسجام مردمی. شهدای جدید، فرزندان همان گفتمان‌اند. فرماندهانی که این بار نه در یک نشست حزبی، بلکه در میدان‌های امنیت، اطلاعات و دانش، هدف قرار گرفتند. این امتداد تاریخی شهادت، هم‌هشدار است و هم الهام؛ هشدار از استمرار تهدید، الهام از استمرار ایستادگی. هفتم تیر، تنها یک روز در تقویم نیست؛ یک منشور است. منشوری که بر فراز آن، عدالت‌خواهی، استقلال، و شهادت به عنوان عناصر هویت‌ساز ایستاده‌اند. و اگر قوه قضاییه، امروز سالروز خود را بر این واقعیت بنیان نهاده، تنها به سبب شهادت یک رئیس نیست، بلکه برای پیوند زنده دستگاه قضا با خون عدالت‌طلبان است. در نهایت، هفتم تیر یک مرثیه نیست؛ یک سرود است. سرودی از ایستادگی در برابر ترور، از مقاومت در برابر نفوذ، و از امید در دل خاک شهدای آن شب و شهدای این هفته، هر دو در خاک آرمیده‌اند، اما شعله عدالت و بیداری که در ذهن و زبان مردم زنده است، هنوز می‌سوزد.

کردند. از کلاهی تا سایه موساد، از بمب دستی تا پهپادهای هدایت‌شده، هدف یکی‌ست: قطع شریان استقلال ایران.

در روایت هفتم تیر، دو ساحت اصلی باید همزمان درک شود: ساحت انسانی و ساحت ساختاری. در ساحت انسانی، هفت تیر واقعه‌ای است آکنده از آوار، آتش، فریادهای نیمه‌شب، تن‌هایی که از زیر آجر و تیر آهن بیرون کشیده می‌شدند و گلوله‌هایی که پیش از فریاد خاموش شدند. گریه مادران، اضطراب یاران، و مردمی که تا صبح، رادیو به گوش و چشم به راه خبری از زنده بودن «بهشتی» بودند؛ اما در ساحت ساختاری، هفتم تیر، نقطه چرخش جدی در روند امنیتی و قضایی کشور بود. بعد از این انفجار، دستگاه قضا از حالت نیمه‌ساختاری اولیه، به تدریج خود را با تهدیدات پیچیده‌تری وفق داد. اهمیت این انفجار نفیست در از دست رفتن یک چهره، بلکه در آن بود که دشمن، گفتمان‌ساز را هدف گرفت: کسی که در پی طراحی سازوکارهای حقوقی، عقلانی و مدنی برای آینده جمهوری اسلامی بود.

امروز، در سال ۱۴۰۴، چهل و چهار سال بعد از آن واقعه، وقتی دوباره پیکر شهدا تشییع می‌شود، همان فضا، همان فریادها و همان واژگان در خیابان طنین‌انداز است: مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا، مرگ بر منافق. اما این تکرار شعار نیست؛ این تداوم حافظه است. ملت‌هایی که فراموش می‌کنند، محکوم به تکرارند؛ اما ملتی که خاطره را زنده نگه می‌دارد، می‌تواند آینده را بسازد. رژیم صهیونیستی از آن روز

چه شب‌هایی در حافظه تاریخی یک ملت، هم‌زمان خون‌بار و روشن‌گرند؟ شب هفتم تیر ۱۳۶۰ یکی از همان شب‌هاست. شبی که انفجار بمبی در دفتر حزب جمهوری اسلامی، نه تنها ۷۳ جان عاشق و دلسوز را گرفت، بلکه پرده‌ای دیگر از چهره واقعی تروریسم سازمان‌یافته را در مقابل چشم تاریخ کنار زد. اما آنچه این فاجعه را از یک حادثه خونین به واقعه‌ای ماندگار بدل کرد، نه فقط شمار قربانیان، بلکه چهره‌ای بود که در میان آوار گم شد و سرگرا روز بعد با تأیید رسمی به شهادت رسید: آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی.

او نقطه‌ی رئیس قوه قضاییه، نه فقط مرد علم و سیاست و قلم، که معمار قوه عدلیه پس از انقلاب بود؛ کسی که معتقد بود «ما شیفتگان خدمتیم، نه تشنگان قدرت». اما چرا این انفجار تا این اندازه در حافظه عمومی زنده ماند؟ پاسخ را باید در هم‌زمانی نقش آفرینان، متن سیاسی، و سناریوی ترور جست‌وجو کرد. و امروز، در سالروز آن واقعه، پیکر شهدای تازه‌ای که در عملیات نفوذی، در خرداد ۱۴۰۴ به دست مزدوران صهیونیسم به شهادت رسیدند، در میان شعارهای مردمی تشییع شد. انگار تاریخ، حلقه‌واره به خویش بازمی‌گردد.

ترور به مثابه ابزار خاموشی‌سازی سیاستمداران مستقل، اندیشمندان ملی و فرماندهان کلیدی، از ۱۳۶۰ تاکنون، تغییری در الگو نداده است؛ تنها مهرها و زمان تغییر

مهرداد تیموری



## مشت خودی

بزرگی داشتیم، ما با مشت خودی زمین خوردیم و این معنایش قدرت نیست، اما معنایش شکست در جبهه برابر دشمن نیز نیست. تا چشمانمان را باز نکنیم داستان همین است، تلخی واقعیت را باید بجشیم تا بتوانیم ایرانی درخور مردم ایران بسازیم. تاریخ قضاوت خوبی در مورد این نبرد که چهل سال از آن گفتم و نتیجه مورد انتظاری از آن حاصل نشد نخواهد داشت. از ابتدای انقلاب برنامه نبرد با رژیم صهیونیستی چیده شد؛ حداقل شعارش داده شد از نابودی با آب دهان تا یک سطل آب... نبرد آذرآزمایی فلسطین به شاخص و محوری بنیادین در نگاه ایدئولوژیک نظام ما تبدیل شد، سرمایه‌های مادی و انسانی بسیار و عظیمی برای آن خرج شد؛ اما نتیجه نشان داد جز دستاورد موشکی هیچ کاری برای این نبرد صورت نگرفته بود. اکنون که صنعت هسته‌ای ما کامل نابود نشده و دانش هسته‌ای ما بومی بوده و از بین نرفته و موشک‌های ما تمام هیمنه آمریکا و رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد و لایه‌های دفاعی از گنبد آهنین تا تاد و پیشرفته‌ترین پدافند ضد موشکی آمریکا و بچه‌اش را پاره کرد جنگ نابرابر و لشگرکشی صهیونیست‌ها و آمریکا را نباختیم ولی زخمی به وسعت کل نقشه بر تن خسته ایران ما از تیر دشمن نه بلکه از خیانت عوامل دشمن در میان خودی‌ها بر جای مانده است. خون شهیدان ما رستاخیزی در نسل‌های نوظهور برپا خواهد کرد. ما بر می‌خیزیم همچون ققنوس که از خاکستر خود بر می‌خیزد...

آویز، اورشلیم و حیفا تصویری شبیه آنچه رژیم صهیونیستی در غزه ساخت توسط ایران ساخته شد. جنگ اتحاد و همدلی در بین اقشار و احزاب ملت و حکومت بوجود آورد. جنگ سنگینی شد. آری... خوردیم؛ بدجوری هم خوردیم. ترور گسترده فرماندهان ارشد ما، ترور تمام دانشمندان هسته‌ای بزرگ ما، به خاک و خون کشیده شدن فرزندان وطن ما، سربازان و کودکان ما، هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های هسته‌ای و نظامی ما، بی دفاع شدن آسمان کشور ما و... همگی واقعیت‌های انکارناپذیری هستند. می‌توانیم به فرزندان خود بگوییم که در میدان جنگ از دشمن شکست نخوردیم، اما نمی‌توانم خیانت‌های برخی فرزندان ناخلف این کشور را نادیده بگیریم. نمی‌توانیم نفوذ گسترده دشمن در بین طبقات مختلف سیاسی‌ها و حتی نظامی‌های خود را نادیده بگیریم. چگونه ترور فرماندهان ارشد نظامی و هم‌زمان دانشمندان هسته‌ای کشور آن هم در یک روز و در طول چند دقیقه را نادیده بگیریم و از آن سخن نگوئیم و فقط روایت کنیم که پیروز شدیم؟ اگر اینگونه کنیم با خود فریبی واقعیت را انکار کرده ایم. اگر اینگونه کنیم افتادن در تله دشمن را گردش تفریحی درون تله برای نسل‌های بعدی خود نشان داده و گول خوردن و خودفریبی را به فرزندانمان آموزش داده ایم. نمی‌توانیم ضعف‌ها را قدرت نشان دهیم، چرا که قرار نیست با نادیده گرفتن واقعیت‌ها، واقعیت تغییر کند. در کنار روایت هایایمان باید به فرزندانمان بگوییم که ما ضعف‌های

مهدی شهیم



تاریخ این جنگ نابرابر آمریکا و رژیم صهیونیستی و همکاری‌های همسایگان و دول غرب را برای شکست ایران فراموش نخواهد کرد اما روایت ما برای نسل‌های آینده این کشور و فرزندانمان چگونه باید باشد؟

نمی‌توانیم یک‌طرفه تاریخ بنویسیم و کسی آنرا بخواند چراکه تاریخ را دیگران خواهند نوشت و آیندگان خواهند خواند. ملت ما، ایران زخمی ما در طول تاریخ صلح طلب بود و شروع کننده هیچ جنگی علیه ملت‌های دیگر نبود. آری جنگ نابرابر را آمریکا و اسرائیل علیه ما شروع کردند و در پاسخ موشکی ما همه کشورهای غربی به کمک اسرائیل شتافتند و موشک‌های ما را رهگیری کردند آن‌ها خاک و آسمان خود را در اختیار اسرائیل و آمریکا قرار دادند. ایران به هر دو دشمن پاسخ داد پایگاه‌های آمریکا را در سه کشور همسایه موشک باران کرد.

ما از اول می‌دانستیم تنها ایم روسیه هم ناگهان یادش آمد بیشتر ساکنان سرزمین‌های اشغالی، روس هستند و نگران‌شان شد جنگ به جایی رسید با اینکه آن‌ها شروع کننده بودند ولی به دنبال پایان جنگ هم بودند. آخرین شلیک‌ها در آخرین فرصت قبل از آتش بس از آن ایران بود. ایران در تحریم حداکثری با سلاح بومی خود جنگید و همه آن موشک‌ها که دنیا را شگفت زده کرد ساخت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. در موشک باران تل

سرمقاله

## آن لاله‌های استقامت...

مهدی تیموری



صبح جمعه‌ای که بار دیگر در کرج، خیابان‌ها با عطر شهادت معطر شد، مردم شهر نشان دادند که در تقویم غیرت، فصل خشم علیه اشغال و جنایت هرگز تعطیل نمی‌شود. هم‌زمان با اقامه نماز جمعه، پیکرهای شش تن از جان‌پرکفان وطن که در تجاوز وحشیانه رژیم جعلی به مقر سپاه امام حسن مجتبی (ع) به شهادت رسیده بودند، با شکوه و صلابت تمام تشییع شد.

فریادهای «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر آمریکا» تنها شعار نبود، پژواکی بود از سال‌ها خشم فروخورده در سینه مردمی که بارها قربانی تروریسم دولتی شده‌اند. از مصلی کرج تا آستان مقدس امامزاده حسن (ع)، پیکر سردار مجتبی کرمی، سردار احد فتوحی و چهار پاسدار شهید دیگر بر دوش مردمی حمل شد که آمده بودند با چشمان اشکبار و مشت‌های گره‌کرده، به جهان بگویند: خون شهیدان ما را تنها به خاک نمی‌سپاریم، بلکه آن را بر پیشانی تاریخ حک می‌کنیم.

در این تشییع، فقط شهیدان بدرقه نشدند، بلکه مفهومی عمیق‌تر و گسترده‌تر به خیابان آمد: مقاومت. در شهری که زیر فشار اقتصادی، هجمه رسانه‌ای، و جنگ روانی قرار دارد، همچنان مردمی هستند که چفیه بر دوش، تصویر رهبری در دست، و شعارهای کوبنده بر زبان، هویت خود را فریاد می‌زنند.

این مراسم، تنها یک آیین سوگواری نبود. رجزخوانی گروهی، شعارهای خودجوش، و نمادهای بصیرت‌افزا، همه نشان از زنده بودن شعور انقلابی داشتند. «مرگ بر منافق» در کنار «مرگ بر صهیونیسم»، پیوندی تاریخی را بازآفرینی کرد: اینکه مردم، نه تنها متجاوز بی‌رونی، که خیانت‌کاران درونی را نیز فراموش نمی‌کنند.

آنچه بیش از هر چیز دیگری از تحلیل این رخداد حاصل می‌شود، پاسخ مردم به همه آن‌هایی بود که خیال می‌کردند خستگی، ترس یا دوگانگی، پایه‌های مقاومت را لرزان کرده است. پاسخ این بود: مردم، همچنان در صحنه‌اند، حتی اگر دیگران تماشاگر باشند. شهادت این عزیزان، سندی دیگر از جنون صهیونیسم جهانی است؛ اما در عین حال، نقطه‌ای برای شروع دوباره عهدی بزرگتر است. عهد به پایداری، عهد به عدالت، و عهد به اینکه حتی اگر یک مقر هدف قرار گیرد، هزاران دل بیدار می‌شود.

در نهایت، این تشییع باشکوه نه پایان راه، که آغازی دیگر بود؛ آغازی برای بیداری عمومی، خیزش فرهنگی، و انسجام سیاسی. شهدای کرج رفتند، اما راهشان در فریادهای آن جمعیت جاری ماند. این مردم، با تمام زخم‌ها و دردها، ایستاده‌اند؛ چون ایران، سرزمین لاله‌هاست، نه تسلیم.



## وقتی مادران البرز، سربازان آینده را به میدان آوردند

ایمان روزبهرانی

اولین جمعه محرم، بار دیگر صحنه‌ای از تجلی اشک و آگاهی، سوگ و سلوک، و مادری و مقاومت در استان البرز رقم زد؛ همایش شیرخوارگان حسینی، همایشی که دیگر تنها آیینی برای یادآوری مظلومیت علی‌اصغر (ع) نیست، بلکه نماد جهانی از تربیت انقلابی، ایمان مادرانه و پیوند نسلی با پرچم عاشورا است. در ۲۵۶ نقطه از استان البرز، از تکایا و حسینیه‌ها گرفته تا مراکز فرهنگی و امامزادگان، مادران فرزندان‌شان را به نیابت از سرباز کوچک کربلا در آغوش گرفتند و با چشم‌هایی اشکبار و دل‌هایی استوار، فرزندان‌شان را وقف جبهه حق کردند؛ جبهه‌ای که امروز نه فقط در کربلای ۶۱ هجری، بلکه در فلسطین، لبنان، سوریه، یمن و حتی خاک ایران در جریان است.

مراسم امسال، طبق گفته وحید آقاشریفی، دبیر مجمع جهانی حضرت علی‌اصغر (ع) استان البرز، یادبودی برای شهدای مقاومت از ایران تا غزه بود. این همایش، معنایی مضاعف پیدا کرد وقتی مادران نوزادانشان را با دعای ظهور و نابودی صهیونیسم جهانی به میدان آورده بودند؛ گویی نسل بعدی جهادگران، امروز در قنداق‌های سبز و سفید آماداند تا فردا در صف مدافعان حق بایستند. این آیین، هرگز تنها یک رویداد آیینی نیست. در بطن آن، مفهومی ژرف‌تر جریان دارد: انتقال فرهنگ عاشورا از دل مادر به جان فرزند. این همایش نقطه‌ای احیای یک خاطره تاریخی، بلکه تمرینی است برای تربیت نسلی که ظلم را نمی‌پذیرد، صهیونیسم را دشمن می‌داند و آرمان آزادی قدس را بخشی از هویت دینی خود می‌شناسد.

در روزگاری که رسانه‌ها و قدرت‌های جهان در تلاش‌اند کودکی را از هویت تهی، از مقاومت دور، و از معنا خالی کنند، در البرز و دیگر نقاط ایران، مادران نشان می‌دهند که کودک می‌تواند از گهواره تا میدان، از اشک تا اراده، و از قصه تا جهاد، با فرهنگ عاشورا آشنا شود. گهواره‌هایی که در این همایش به چشم می‌آمدند، نماد حضور نسل آینده در کارزار حق و باطل‌اند؛ نسل‌هایی که اگر امروز نام علی‌اصغر (ع) را بشنوند، فردا به فریاد یا لثارات الحسین پاسخ خواهند داد. از سوی دیگر، همایش شیرخوارگان حسینی پیامی برای دنیای سیاست نیز دارد. حضور گسترده و سازمان‌یافته خانواده‌ها، نشان می‌دهد که «مقاومت» تنها مأموریت نظامیان نیست؛ این یک زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی است که ریشه در باورهای عاشورایی دارد و ثمره‌اش در گفتمان انقلابی نسل آینده بارور خواهد شد. از البرز تا کربلا، از کرج تا خان یونس، این همایش صدایی بود که می‌گوید: دشمن بداند، ما از نوزادی می‌آموزیم که باید در برابر ظلم ایستاد. در عین حال، باید اذعان کرد که چنین همایشی صرفاً محصول کار سازمانی نیست؛ بلکه ریشه در باورهای مردمی دارد. حضور پرشور مادران و خانواده‌ها در نقاط مختلف البرز نشان می‌دهد که اگر فرهنگ عاشورا زنده مانده، نه فقط به خاطر منابر و رسانه‌ها، بلکه به واسطه قلب‌هایی است که با عشق حسین (ع) می‌تپد و آغوش‌هایی که با تربیت حسینی گرم است. این فرهنگ، امروز بیش از همیشه مورد نیاز جامعه ماست. در جهانی که آوار جنگ‌های رسانه‌ای، فقر معنوی، بحران هویت و یأس اجتماعی بر سر جوانان می‌بارد، بازگشت به سرچشمه‌ای چون عاشورا می‌تواند مرهمی باشد؛ مرهمی که نه فقط سوگ دارد، بلکه آگاهی، جهتمندی، و امید به پیروزی را هم با خود می‌آورد.

نسل شیرخوارگان امروز، فردا مدرسه‌ای خواهند رفت که نام شهید بر در و دیوار آن نقش بسته، در دانشگاهی درس خواهند خواند که روزی خون دانشجویانش با سیاست‌های استعماری درافتاد، و در جامعه‌ای رشد خواهند کرد که هنوز شعار «نه به ظلم» را در هر نماز جمعه تکرار می‌کند. آن‌ها فرزندان انقلاب‌اند؛ کودکانی با شناسنامه حسینی، و آینده‌ای که باید در آن از آرمان‌های شهیدان پاسداری کنند. همایش شیرخوارگان حسینی، صدای ملتی است که حتی گریه فرزندش را هم با فریاد علیه ظلم هماهنگ می‌کند. این نه فقط سوگواری برای گذشته، بلکه «مانور فرهنگی آینده» است. آینده‌ای که در آن، کودکانی از البرز، خراسان، اصفهان، تهران و همه جای ایران، سربازانی خواهند شد برای آنکه پرچم عاشورا به قله‌های عدالت جهانی برافراشته شود.

## آسیب دیدگی ۳۰۰ خودرو و ۷۰۰ باب منزل مسکونی شهروندان کرج در تهاجم صهیونی

سپرست معاونت استانداری البرز و فرمانداری ویژه کرج گفت: ۳۰۰ دستگاه خودرو و ۷۰۰ باب منزل مسکونی شهروندان این شهرستان در اثر جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم غاصب صهیونیستی آسیب دید. «مهدی مهروز» افزود: شیشه‌های شکسته منازل درحال تعویض و نصب و اقدامات اولیه برای بازسازی این منازل در حال انجام است. وی گفت: خودروهای آسیب دیده نیز در دست بررسی کارشناسی است. ستاد ارزیابی خسارت بلافاصله پس از حملات رژیم صهیونیستی در شهرستان کرج تشکیل شد.



دنیایک سوادار

۳ در شهر

شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۱

### از «البرز» چه خبر؟

شهردار کرج:

## عملیات «وعده صادق ۳» و «بشارت فتح» اقتدار ایران را به رخ جهانیان کشید



ها فعال‌اند، روز بازارهای مادر حال خدمات‌رسانی هستند و آتش نشانان جان بر کف در بالاترین سطح از آمادگی قرار دارند، در روزهای گذشته هیچ وقفه و خللی در جمع آوری زباله و تنظیف معابر مشاهده نشد و غیرت پاکبانان و سبزبانان شریف مان را باید ستودنی توصیف کرد. شهردار کرج، جنگ را با همه خسارت هایش اما آزمونی خطیر برای ملت دانست که همبستگی و همدلی و روحیه بالای خود را در عالی‌ترین سطح به رخ جهانیان کشید و طی آن همه ترورها و تجاوزهای هوایی و حملات صورت گرفته دستاوردی جز خفت و ذلت و شکست را برای متجاوزین به همراه نداشت و پیروز این میدان، ایران بود و ملتش و نیروهای مسلح مقتدر کشورمان.

شهردار کرج با بیان اینکه توان موشکی ایران، همدلی ملت و اقتدار نیروهای مسلح، رژیم صهیونی را ناچار به تقلا برای آتش بس نمود، گفت: عملیات های «وعده صادق ۳» و «بشارت فتح» اقتدار ایران را به رخ جهانیان کشید. مهرداد کیانی ادامه داد: در ابتدا کشتار و شهادت جمعی از فرماندهان، بسیجیان پاسدار و شهروندان عزیزمان در حملات وحشیانه رژیم کودک کش اسرائیل را محکوم و آن را تبریک و تسلیت عرض می‌نمایم؛ ملت ایران با شهادت مائوس بوده و ما از اینکه بار دیگر از قافله شهادی معظم جاماندیم، غیبه می‌خوریم. وی به شهروندان کرجی وعده کرد: خدمات‌رسانی در کلیه بخش‌ها با همت و قوتی بیشتر از قبل ادامه دارد، پروژه

### به مدت یک هفته؛ حمل و نقل عمومی در کرج رایگان شد

از فردا به مدت یک هفته رایگان خواهد بود. رئیس شورای شهر با تقدیر از حضور، همدلی و هم‌افزایی اعضای شورا در پیگیری امور این روزهای پرالتهاب، افزود: مجموعه شورای اسلامی شهر کرج و مدیریت شهری همیشه و در همه حال با تمام وجود در کنار احاد ملت برای رفاه و آسایش ایشان ایستاده و تلاش خواهند کرد.

رئیس شورای شهر کرج گفت: با هدف تسهیل رفت و آمد شهروندان، حمل و نقل عمومی در کرج، از فردا به مدت یک هفته رایگان خواهد بود. مسعود محمدی با تمجید و تشکر از همبستگی بی‌نظیر ملت ایران و همشهریان عزیزمان برابر تجاوزات دشمن گفت: به منظور تسهیل در رفت و آمد شهروندان، حمل و نقل عمومی در شهر کرج،



### لزوم اهتمام مدیران و کارکنان به صرفه‌جویی و مدیریت هزینه‌ها و منابع



و همکاری مشکلی در پرداخت حقوق کارکنان خدمت مدیریت شهری وجود نخواهد داشت و حقوق خرداد ماه نیز پیش‌تر از موعد پرداخت گردید و تلاش می‌کنیم با برنامه ریزی دقیق بتوانیم منابع مالی هزینه‌های جاری، عمرانی و خدمات شهری را تامین و تزریق نماییم.

خدمات‌رسانی به مردم شریف است که اکنون این روال به صورت عادی در شهرداری کرج دایر می‌باشد و با تدابیر شهردار و اعضای محترم شورای شهر، شهر در برخورداری از خدمات شهری و عمرانی از پویایی و سرزندگی برخوردار است. معاون شهردار کرج ادامه داد: همچنین با توجه به تاثیر احتمالی این تجاوز بر روند تقاضا برای دریافت پروانه ساختمانی و با هدف مدیریت هزینه‌ها و پیشگیری از ایجاد خلل در خدمات‌رسانی به مردم شریف، شایسته است مدیران و کارکنان خدوم مدیریت شهری به هر نحو ممکن جهت کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی و بهره‌مندی حداکثری از منابع حرکت کنند و از هزینه‌های غیرضرور و فاقد اولویت چشم‌پوشی نمایند.

سلطانی‌مقدم اظهار امیدواری کرد: با همدلی

معاون مالی و اقتصادی شهرداری کرج به مدیران و کارکنان این دستگاه توصیه کرد: با هدف ارتقای بهره‌وری سازمانی و جلب رضایتمندی مردم، اهتمام ویژه‌ای جهت صرفه‌جویی و مدیریت هزینه‌ها و منابع در دستور کار قرار گیرد. علی‌سلطانی‌مقدم ضمن محکومیت تجاوز آمریکا و رژیم صهیونی به خاک کشورمان و عرض تبریک و تسلیت به مناسبت درگذشت تعدادی از فرماندهان، دانشمندان و نخبگان و مردم بی‌گناه، اظهار داشت: با همدلی و اتحاد و همکاری با مسئولان در این شرایط خاص، قطعاً نیروهای مسلح با اقتدار و شجاعتی که از آنها سراغ داریم، متجاوز را به شکستی عبرت‌آموز دچار خواهند کرد.

وی ادامه داد: یکی از شئون همدلی در شرایط فعلی حفظ روحیه جهادی برای استمرار

### امام جمعه کرج: جمهوری اسلامی ایران مصمم‌تر از گذشته پیش می‌رود

به برکت خون شهید در مسیر تعالی و پیشرفت پیش می‌رود.

آیت الله «سید محمد مهدی حسینی همدانی» در خطبه‌های نماز جمعه این هفته شهرستان کرج افزود: بنابراین باید مصمم‌تر از قبل در جهت حمایت از مستضعفان جهان اقدام کرد. وی گفت: امروز می‌بینیم که به بهانه حقوق بشر، دشمنان جهان اسلام حقوق بشر را نقض می‌کنند و بزرگ‌ترین جنایات را در حق بشر مرتکب می‌شوند.



نماینده ولی فقیه در استان البرز و امام جمعه کرج با بیان اذعان جهان به قدرت استقلال جمهوری اسلامی ایران در جریان حملات ددمنشانه اسرائیل غاصب گفت: کشور مصمم‌تر از گذشته



## مهرورزی زیر آتش

در روزهایی که آسمان ایران، از خشم ددمنشانه و بمباران کور رژیم صهیونیستی می‌لرزید، در روزهایی که خانه‌ها آوار شدند و مردم در سایه ترس و دلهره روزگار می‌گذراندند، امید از جایی برخاست که همواره مأمین جان‌های زخمی بوده است: از دل اتاق عمل‌ها، کلینیک‌ها، اورژانس‌ها و از دستان خسته اما با اراده پزشکان و پرستاران ایرانی.

حرکت خودجوش و بی‌ادعای جامعه درمانی کشور در ارائه خدمات رایگان، شبانه‌روزی و داوطلبانه، نه تنها جلوه‌ای از «تخصص در خدمت تعهد» بود، بلکه بار دیگر ثابت کرد که بزرگ‌ترین سرمایه ایران، نه فقط منابع طبیعی یا قدرت نظامی، بلکه اخلاق اجتماعی و شبکه همدلی انسانی در بطن بحران‌هاست.

در حملات ناجوانمردانه‌ای که منجر به شهادت صدها تن و مجروحیت هزاران نفر شد، هزاران پزشک، جراح، پرستار و امدادگر نه تنها از وظیفه شانه خالی نکردند، بلکه پیش‌دستانه و داوطلبانه پا به میدان گذاشتند. آن هم در شرایطی که موشک‌های کور دشمن، بیمارستان‌ها و آمبولانس‌ها را نیز هدف گرفته بود و تعدادی از پرسنل سلامت خود قربانی جنون تروریسم سازمان‌یافته شدند. اعلام آمادگی رسمی انجمن جراحان عمومی ایران برای اعزام تیم‌های تخصصی، ثبت‌نام سراسری سازمان نظام پرستاری برای نیروی داوطلب، و همچنین گشایش کلینیک‌های شخصی در نقاط مختلف کشور برای ارائه خدمات رایگان، تصویر یک «خیزش ملی اخلاقی» را ترسیم کرد. در این میان، فضای مجازی نیز تبدیل شد به تابلوی راهنمایی برای مردم تا بدانند کدام درمانگاه، کدام پزشک و کدام پرستار در کجا و چگونه، بدون چشم‌داشت، آماده خدمت‌اند.

اما این فقط یک اقدام امدادی نبود؛ این یک اعتراض معکوس و یک بیانیه انسانی علیه خشونت بود. آنگونه که در متن بیانیه انجمن‌های تخصصی نیز آمده، این حرکت پاسخی بود به نیاز جامعه، اما در عین حال یک پیام جهانی نیز داشت: «ما حتی زیر آتش، درمان‌گریم. ما، ملت مهریانی‌ایم که با مرگ می‌جنگیم، اما از مهر دست نمی‌کشیم».

این کنش انسانی، اگرچه در ظاهر به درمان بیماران و مجروحان محدود می‌شود، اما در لایه‌های عمیق‌تر، بازتابی از ظرفیت درونی ملتی است که بارها نشان داده، در تاریک‌ترین ساعات، نور را از دل خود می‌تایاند. این همان سرمایه اجتماعی است که حتی دشمن هم آن را می‌بیند؛ و به همین دلیل است که زیرساخت‌های سلامت و امداد، این چنین آماج حمله قرار می‌گیرند. بیش از ۹۶ عمل جراحی، هزاران ویزیت رایگان، خدمات کامل اورژانس و بستری بدون اخذ هیچ هزینه‌ای، آن هم در میانه بحرانی تمام‌عیار، محصول همین زیربنای اخلاقی است. این همان مفهومی است که از یادمان رفته بود: «همبستگی ملی» نه در سخنرانی‌ها، بلکه در اتاق‌های عمل و کنار تخت‌های مجروحان زنده است. آنچه امروز جامعه پزشکی ایران انجام داد، در واقع تجلی عملی همان چیزی بود که سیاستمداران در بیانیه‌ها وعده می‌دهند اما کمتر به آن می‌رسند: وحدت ملی، مشارکت اجتماعی، خدمت بی‌منت. و شاید وقت آن است که ما این بار، از پزشکان بیاموزیم چگونه می‌توان مسئولیت اجتماعی را بدون بودجه، بدون عنوان، و فقط با انسانیت به میدان آورد.

در نهایت، روایت این روزها روایت «ایران در اوج مهریانی» است؛ کشوری که در قلب زخم، دست مرهم دارد. کشوری که در برابر دشمن، ایستاده، اما با مردمش، نشسته و خم شده برای بستن زخم‌هایشان. پزشکانی که لباس سفیدشان را با خون شهدا آغشته کردند، این پیام را دادند که حتی اگر آسمان ببارد آتش، ما از خاک، امید برمی‌داریم.

## دانش‌بنیان‌ها به کمک تصفیه فاضلاب آمدند

«عباسعلی مصرزاده» مدیرعامل شرکت فاضلاب تهران- گفت: از سال گذشته با کمک شرکت های دانش‌بنیان مطالعه تولید بیوجار (کود) از لجن فاضلاب آغاز شده است. همیشه در زنجیره تصفیه فاضلاب، یک مورد مهم مغفول مانده بود و آن هم فرآوری لجن و تولید کود به عنوان یک محصول غنی در کشاورزی بود.

به گفته وی، این کار از سال گذشته با کمک دانش‌بنیان‌ها در شرکت فاضلاب تهران آغاز شد و به‌زودی اولین تولید بیوجار از لجن را در تصفیه‌خانه غرب آغاز خواهیم کرد. این محصول علاوه بر کمک به حفاظت از محیط‌زیست به عنوان کود آلی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و یک ارزش افزوده در زنجیره تصفیه‌خانه فاضلاب ایجاد می‌کند.

باسمیل اینا، فداکاری و اخلاق آشناشویم؛

## فخر والیبال اصفهان، دور از خط و خطبازی

مردی که دور از غوغا طلبی، تنها برای اعتلای والیبال دیار زاینده‌رود خدمت کرده است؛ بی‌هیاهو اما مؤثر. او سمبل اخلاق، گذشت و ایثار است؛ چهره‌ای ماندگار که نسل‌های متوالی از او به‌یاد می‌کنند. صحبت از حسین کلکی‌نماست؛ مربی بین‌المللی، پاسور و ستاره درخشان والیبال ایران در دهه ۶۰ و ۷۰، و اکنون مسئول کمیته مربیان هیأت والیبال استان اصفهان. جوانی خوش‌اخلاق که سال‌های طلایی عمر خود را وقف مراقبت از مادر بی‌سرپرستش کرد؛ و در این مسیر، از تشکیل خانواده چشم پوشید. رفتاری که همگان با تحسین و احترام از آن یاد می‌کنند.

او در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ کاپیتان تیم‌های نوجوانان، جوانان، امید و بزرگسالان باشگاه ذوب‌آهن اصفهان بود. افزون بر این، در مسابقات قهرمانی استان و لیگ‌های دسته ۲ و ۱ کشور (که در آن زمان معادل سوپر لیگ فعلی بود)، به‌عنوان پاسور و کاپیتان تیم‌های منتخب استان اصفهان در تمامی رده‌های سنی خوش درخشید.

کلکی‌نما در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ به اردوی تیم ملی نوجوانان ایران و همچنین تیم ملی دانش‌آموزی دعوت شد. او در لیگ دسته ۱ سال ۱۳۷۰ و در سن ۱۹ سالگی، در رقابتی که چهره‌هایی چون اصغر نائینی (پاسور استقلال تهران) و زندیاد حسین معدنی (پاسور بنیاد شهید تهران) حضور داشتند، به‌عنوان بهترین پاسور ایران معرفی شد. آن سال، تیم ذوب‌آهن با مربیگری زندیاد حسن رهنما و استاد حسن افغان، به مقام قهرمانی کشور دست یافت.

در دوران خدمت سربازی، پاسور و کاپیتان تیم انتظام اصفهان بود؛ تیمی که در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ در مسابقات سراسری ناجا به مقام نایب‌قهرمانی و سپس قهرمانی کشور رسید. پس از پایان سربازی، همراه با علی نقدی و مرحوم رضا ابراهیمی به تیم ملی نیروهای مسلح ایران دعوت شد.

از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ با دعوت استاد مسعود صالحیه، به‌عنوان کاپیتان و پاسور تیم خبریه همدانیان اصفهان فعالیت داشت و به قهرمانی لیگ دسته ۲ ایران دست یافت. سپس در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹، به‌عنوان پاسور و کاپیتان تیم فجر سپاه استان اصفهان، با مربیگری مرحوم فرهاد سیستانی، مقام نخست لیگ دسته ۱ را در نخستین سال حضورش کسب کرد.

در ادامه، به‌همراه بازیکنانی چون مصطفی شجاعی و رضا شهابی، با تیم هسای اصفهان در لیگ دسته ۱ شرکت کرد و به لیگ برتر کشور در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ صعود کرد.

در سال ۱۳۸۳، او پاسور تیم لیگ برتری ایران، کاپیتان تیم منتخب دانشگاه‌های آزاد استان اصفهان و شرکت‌کننده در مسابقات دانشجویان ایران بود. در همین سال، به تیم ملی دانشجویان نیز دعوت شد.

## دوران مربیگری؛ میراثی از تعهد، تربیت و تعالی

حسین کلکی‌نما سال‌ها به‌عنوان مربی و سرمربی در تیم‌های پایه باشگاه ذوب‌آهن، در تمامی رده‌های سنی از نونهالان تا امید-فعال بوده است. در این مسیر، موفق به کسب مقام‌های برتر در سطح استان شد و به‌ویژه، سابقه درخشان سرمربیگری تیم جوانان ذوب‌آهن را در کارنامه دارد. در زمان مربی‌گری آندره پاتراکوف (مربی قزاقستانی تیم بزرگسالان ذوب‌آهن)، کلکی‌نما نقشی مهم و مؤثر در دستیابی تیم به مقام سوم سوپر لیگ ایران ایفا کرد؛ نقشی که به‌وضوح از دانش فنی و شخصیت حرفه‌ای او حکایت دارد.

نقطه عطف مهمی در کارنامه او زمانی رقم خورد که ست کوئتیج (سرمربی کروات تیم ملی جوانان ایران) در جمع مربیان، سرپرستان تیم‌ها و اصحاب رسانه، کلکی‌نما را به‌عنوان شایسته‌ترین و موفق‌ترین سرمربی از لحاظ فنی، اخلاقی و انضباطی معرفی کرد؛ افتخاری که نشانگر جایگاه ممتاز او در فضای والیبال ایران است. در طول بیش از یک دهه، او سرمربی تیم‌های نوجوانان، جوانان و امید استان اصفهان و باشگاه بهرپزان در لیگ دسته اول کشور بود و موفق به کسب مقام‌های کشوری متعدد شد. همچنین، نقش اودر شناسایی و پرورش استعداد‌های برجسته‌ای چون:

محسن‌عندلیب

علیرضا ملباشری

مسعود غلامی

شاهین حاج‌سولی‌ها

هومن باقری

فرزاد و فرهاد ملا بهرامی

بر کسی پوشیده نیست. بسیاری از این بازیکنان، مسیر پیشرفت خود را مرهون آموزش‌ها و هدایت‌های کلکی‌نما می‌دانند؛ مربی‌ای که همواره اخلاق‌مداری را سرلوحه کار خود قرار داده است. در سال ۱۴۰۳، کلکی‌نما سرمربی تیم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود که بدون شکست، عنوان قهرمانی مرکز ایران را از آن خود کرد. همچنین، در همین سال، با هدایت تیم جوانان سپاهان، مقام نایب‌قهرمانی لیگ دسته یک کشور را کسب کرد.

اکنون، با حکم رئیس هیأت والیبال استان اصفهان، حسین کلکی‌نما به‌عنوان رئیس کمیته مربیان هیأت والیبال استان منصوب شده است؛ سمتی که شایستگی آن را در طول سال‌ها تجربه، دانش و تعهد به اثبات رسانده است.

## در واکنش به پايه‌گویی‌های جدید ترامپ؛ عباس عراقچی چه گفت؟

ساده و سراسر است: ما ارزش خود و ارزش استقلال خود را می‌دانیم و هرگز اجازه نمی‌دهیم کسی دیگر سرنوشت ما را تعیین کند.

اگر رئیس جمهور ترامپ در مورد تمایل به توافق صادق است، باید لحن بی‌احترامی و غیرقابل قبول نسبت به رهبر معظم ایران، آیت الله العظمی خاتمی‌ها، را کنار بگذارد و از آسیب رساندن به میلیون‌ها پیرو صمیمی خود دست بردارد.

«توانمندی‌های واقعی» این کشور منجر شود؛ پاسخی که لحن تهاجمی ترامپ را بی‌پاسخ نگذاشت و به روشنی مرزهای احترام و استقلال را یادآور شد.

وی نوشت: پیچیدگی و سرسختی ایرانیان به خوبی در فرش‌های باشکوه ما که با ساعت‌ها تلاش و صبر بی‌شمار بافته شده‌اند، مشهود است. اما به عنوان یک ملت، فرضیه اساسی ما بسیار

در واکنش به سخنان دور از شأن و پایه‌گویی‌های اخیر دونالد ترامپ درباره رهبر معظم انقلاب، عباس عراقچی □ وزیر امور خارجه ایران - با انتشار توییتی صریح، از موضع عزتمندانه ملت ایران دفاع کرد. وی با بهره‌گیری از استعاره‌ای بومی و فرهنگی، پیچیدگی ملت ایران را به فرش ایرانی تشبیه کرد و هشدار داد که ادامه توهمات و تهدیدها علیه ایران می‌تواند به رونمایی از

## ژاپن برای نخستین بار در خاک خود آزمایش موشکی ژاپن انجام داد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز ماه محرم، این ماه را فرصتی برای تقویت انسجام ملت ایران دانست.

سیدعباس صالحی با انتشار متنی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: دهه محرم فرصتی برای تقویت انسجام ملت ایران است.

وی افزود: از صدا و سیما، خطبا، مداحان، هیأت‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، موب‌های خیابانی، رسانه و گروه‌های مجازی و... نباید صدای اختلاف و دوقطبی شنید.

صالحی اضافه کرد: برای دعوا وقت داریم! امروز روز اتحاد ملی است. هر صدای تفرقه‌افکن، صدای دشمن است، به آن مجال ندهیم.



شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۴۱

دنیایکسوادار

اقتصاد

دست‌به‌نقد

مروری بر فیلم «کاخ» ساخته رومن پولانسکی؛

## ناجذابیت غیرپنهان بورژوازی

مهران زارعیان



بیست و یکمی نمی‌بینیم. آدم‌هایی که جهانی جز پول، سکس، مشروب، رقص و دراگ ندارند و با هر ملیت و زبانی، در پی لذت بیشتر برای خود می‌گردند.

«کاخ» پولانسکی با یک حال و هوای رستورانی آغاز می‌شود. یک مدیر هتل در حال سخنرانی و یک سرآشپز سخت‌گیر و منضبط در حال نظارت بر کار آشپزان و کارکنان آشپزخانه‌ی مجهز هتل؛ همه چیز نوید یک سیستم دارای دیسپلین و کارآمدی را می‌دهد که بی‌شبهات به الگوی دل‌چسبی که در انیمیشن «راتاتوی» دیدیم و برایمان نوستالژی دارد، نیست. یک محموله مرغوب خاویار می‌رسد و مدیر و سرآشپز آن را تست می‌کنند تا از کیفیت آن مطمئن شوند، در تقابل میان سختگیری سرآشپز و یک آشپز جوان، مشاهده می‌کنیم که جوان به سرآشپز بی‌آنکه بفهمد بی‌احترامی می‌کند و غذا را شورتر از چیزی که سرآشپز می‌گوید می‌کند؛ نخستین جلوه‌های تمرکززدست از بالادست خودش را نشان می‌دهد که در راستای هندسه‌ی مضمونی فیلم است: جهان شیک لیبرال دموکراسی، گرچه هژمون و مسلط می‌نماید اما در زیر پوست شهرهایش قرار است صداها ی دیگری نیز بلند شود. به طور کلی کارگران و خدمتکاران هتل، تنها نمایندگان «مردم عادی» هستند که رفتار و وجناتی متفاوت با پولدارهای قصه دارند؛ آن‌ها چه نجیب و چه بی‌ملاحظه، به هر حال کار خود را به درستی انجام می‌دهند و دغدغه کار و نظم در امور دارند. پولانسکی نشان می‌دهد که اگر ثروتمندان این جهان در عیش و نوش مشغول هستند، امور توسط مردمان عادی و زحمتکش به سامان است و رتق و فتق می‌شود.

در ادامه فیلم تلاش می‌کند آدم‌هایش را معرفی کند. آدم‌های فیلم پولانسکی، تیپ‌هایی از ثروتمندان مرفه بی‌درد هستند که به سختی به شخصیت تبدیل می‌شوند و تشخص چندانی ندارند؛ اساساً فیلم پولانسکی اگر ضعفی داشته باشد در این است که زمان زیادی را صرف شعار دادن کرده و از قصه‌گویی و شخصیت‌پردازی تا حدودی غفلت می‌کند. فیلم در بازنمایی یک موقعیت محوری از یک ضیافت بزرگ عیاشانه با نیت لجن‌مال کردن جهان بورژوازی موفق شده اما در عمق بخشیدن به شخصیت‌ها و خرده‌داستان‌های هر کدام از این همه آدم در قصه، باز مانده است.

الگوی روایی فیلم بی‌شبهات به یک الگوی روایی سیت‌کامی نیست که قرار است یک دو جین آدم بازمه و ابله، سکناس به سکناس، موقعیت‌های دراماتیک مفرجی را برای ما ایجاد کند که چشم‌انداز کلان و شمای کلی آن، یک طنز هجوآلود با محتوای نقد سرمایه‌داری باشد. بنابراین شاید اگر «کاخ» را در قالب یک سریال یا مینی‌سریال موقعیت‌محور می‌دیدیم، جذابیت و غنای دراماتیک بیشتری می‌داشت، اگرچه

فیلم آخر رومن پولانسکی که داستانش در کریسمس آغاز هزاره جدید می‌گذرد، به نظر حال و هوایی بسیار همخوان و هماهنگ با مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان ما در پایان قرن بیستم دارد؛ فیلمی که با رویکردی تا حدودی گل‌درشت به ستیز با دوران یکه‌تازی لیبرال دموکراسی، ایده‌ی جهانی شدن و تز پایان تاریخ فوکویاما می‌رود و فرهنگ بورژوازی حاصل از این اتمسفر فکری را مورد نقد قرار می‌دهد.

فیلم «کاخ» حکایت جمع شدن صاحبان ثروت در یک هتل لوکس در کوه‌های آلپ است که می‌خواهند تعطیلات سال نو در دورانی تازه را جشن بگیرند و فیلمساز با قرار دادن لنز دوربین در مقابل سرخوشی‌های پوچ، افکار منط و دغدغه‌های مصرف‌گرایانه آن‌ها، علیه سرمایه‌داری مسلط در جهان، اقامه‌ی دعوا می‌کند.

پولانسکی آشکارا از تجربه‌ی دل‌انگیز و بسیار جذاب وس اندرسون در «هتل بزرگ بوداپست» وام می‌گیرد و یک فضای سینمایی کمیک و هجوآلود در هتلی پر زرق و برق برای ما می‌سازد که برخلاف ظاهر شیک و تمیزش، در منجلابی از فساد و تباهی مستغرق شده و بوی تعفن خاویار دفع شده از روده‌ی سگ آن پیرزن پر افاده را می‌دهد؛ پیرزنی که به چیزی جز جراحی زیبایی و معاشقه با جنس مذکر فکر نمی‌کند.

آدم‌های جمع شده در فیلم «کاخ»، بویی از تمدن نبرده‌اند و در پشت لباس‌های گران‌قیمت و پوست برزخه و میک‌آپ غلیظشان، حیوانی مصرف‌کننده اما بی‌مصرف هستند که نه اندیشه دارد؛ نه اخلاق، نه فرهنگ و نه شأن و پرستیژ انسانی. مشت‌للمپن از خودراضی و لذت‌طلب هستند. تمام هم و غم آن‌ها رقص سرمستی و عیش بادموشی و خرج پول‌های بادآورده‌ای است که عمدتاً از راه شرافتمندانه‌ای هم کسب نشده است.

یکی بازیگر بازنشسته‌ی فیلم‌های پورنوگرافی است، دیگری یک تاجر متفرعن کلاهبردار و حقه‌باز است، آن یکی پیرمردی هوسران است که همسر بسیار جوان و طماعش را به ضیافت سال نو آورده، آن‌طرف یک اکیپ از زنان مسن خرافاتی و کوتاه‌فکر هستند که سطح دغدغه‌شان جراحی، آرایش و جوان‌سازی بدن دفرمه‌شان یا کیفیت خوراک سگشان است و در طرف دیگر جماعتی از الیگارشی‌های فاسد و تبهکار روسی هستند که در بزنگاه به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین به دنبال سهم‌خواهی و رانت‌خواری از معادلات پنهان پشت پرده‌ی قدرت در روسیه‌اند؛ خلاصه به هر کجای این هتل که نگاه کنیم، چیزی جز زشتی‌های سبک زندگی غیر مسئولانه و وقیحانه‌ی پولدارهای قرن

همین نسخه سینمایی نیز برخلاف نقدهای تندی که از منتقدان جهان دریافت کرده، چندان ضعیف و بی‌ارزش نیست و به هر حال سرگرم می‌کند و تا حدود زیادی به دل می‌نشیند. «کاخ» فیلمی با قصه‌های بی‌سرانجام است؛ تقریباً هیچ کدام از خرده‌داستان‌های فیلم به نتیجه‌ی مشخصی نمی‌رسند و صرفاً یک جور طرح مسئله و ترسیم موقعیت می‌کنند که از دل آن می‌توان به شوخی‌ها خندید و از گزندگی نقدها هورا کشید.

حقه‌بازی وجه اشتراک بسیاری از افراد فیلم است؛ یک مرد الیگارشی روس که حتی برای تصاحب تخت بهتر در هتل، دوستان و ملازمان خودش را فریب می‌دهد و در انتها نیز آقای سفیر روسیه را در رکبی سنگین از رسیدن به پول‌های کثیف بازمی‌دارد علی‌رغم اینکه خودش نیز نمی‌تواند آن پول‌ها را تصاحب کند. تاجر پولداری که در همه حال می‌خواهد بدون آنکه چیزی را رزرو کند، از بهترین خدمات برخوردار شود و کلاه سنگینی بر سر نظام بانکی جهان می‌گذارد و حتی به پسر خودش که محصول هوسرانی جوانی‌اش بوده نیز رحم نمی‌کند. زن جوان بدقواره‌ای که به طمع تصاحب اموال یکی از ثروتمندترین افراد جهان با او که پایش لب گور است ازدواج کرده و پس از مرگ شوهرش، جسد بی‌جان او را این طرف و آن طرف می‌برد تا مرگ او را موقتاً لاپوشانی کند و طبق وصیت‌نامه به تمام ثروت و اموال او دست بیابد و...

پولانسکی در «کاخ» به خوبی از عنصر اشمئزاز بهره می‌گیرد تا چرکی و پوسیدگی زیربنای جهان پر زرق و برق بورژوازی را نشان دهد. چیزهای حال‌به‌هم‌زن و چندان‌آور حکم یک موتیف را در فیلم دارند. زن جوانی که در حین انجام معاشقه با همسر پیرش، متوجه مرگ مضحک او و گیر کردن اندام تناسلی‌اش در بدن خود می‌شود؛ سگی که به خاطر خوردن خاویار، به همراه صاحبش به بیماری انگلی مبتلا شده و مدفوع متعفنش همه را دچار تهوع می‌کند؛ زن مسن سفیر روسیه که از فرط مستی بی‌هوش می‌شود

و صورتش در بشقاب خاویار فرو می‌رود یا در جای دیگر حالش به هم می‌خورد و بر روی ماشین بنز تشریفاتی بالا می‌آورد؛ سگ و پنگوئن که در انتهای فیلم در اوج جنون و سگ‌مستی و عیاشی بیمارگونه‌ی آدم‌ها، با هم جماع می‌کنند؛ مرد کوتاه‌قامت و بدریخت بانکدار که پس از ادراک کردن بر دیوار هتل توسط چند زن هوسران احاطه می‌شود و با هم ماری‌جوانا می‌کشند و با حالاتی زننده و رقت‌انگیز تماس‌های تنانه برقرار می‌کنند. خلاصه تمام مولفه‌های این جهان، علی‌رغم شبکی و فریبندگی ظاهری‌اش، شدیداً بدقواره و کربه و بدترکیب است و بوی نامطبوع و متعفن آن، جهان را برداشته است. آدم‌های فیلم هیولاهای فرانکشتاین‌واری هستند که پشت چهره‌های بزک‌کرده، جراحی شده و لبخندهای عجزه‌وارشان، زشتی و قباحتی عریان دیده می‌شود.

بیهوده نیست که سیاستمدار تراز چنین جهان فاسد و ننگ‌آوری، ولادیمیر پوتین باشد که با شمایل ریاکارانه جلوی دوربین نشسته و تظاهر به آزادی‌خواهی می‌کند. پولانسکی با حالتی گل‌درشت، فساد و تباهی حاکم بر این جهان را نمایش می‌دهد و البته خودش را در موج ضد روسی پس از جنگ اکراین نیز مشارکت می‌دهد.

قوت اصلی فیلم در دستیابی به لحن هجوآلود و کاریکاتوری ماهرانه‌اش است که با گزندگی به نبرد با ابله‌انگی و تهی‌بودگی مستتر در جهان شیک ثروتمندان می‌رود و موفق می‌شود تصویر دقیقی از مناسبات تباه حاکم بر سبک زندگی آن‌ها برای مخاطب بازنمایی کند و از بستر موقعیت محوری یک ضیافت عیاشانه، حرف‌های نقادانه‌اش را بزند و قضاوت مخاطب را بر علیه پلیدی سرمایه‌داران برانگیزاند؛ جایی که یکی از پیرزن‌های خوش‌گذران فیلم، رنجیده از بی‌اعتنایی جسد بی‌جان پیرمرد ثروتمند می‌گوید «پول چه کاره که با آدم نمی‌کنه!» و جای دیگری که دو دخترک معصوم دوقلو از پدر ساده‌ی خود می‌پرسند: «پدر بزرگ می‌ره به بهشت، یا جهنم؟» و پاسخی که قطعاً جهنم است!

## ایران با تکیه بر پشتوانه فرهنگی و اراده ملی از مسیر تمدنی خود باز نمی‌ماند

رئیس اجلاس جهانی گردشگری با اشاره به مواضع تاریخی ملت ایران در دفاع از صلح و عدالت، خاطرنشان کرد: ملت ایران در طول تاریخ خود، حامل یکی از کهن‌ترین و ریشه‌دارترین سنت‌های مدنیت، گفت‌وگو، همزیستی و تعهد به ارزش‌های انسانی بوده است. در عصر کنونی نیز، گفتمان انقلاب اسلامی، بر پایه مفاهیم عدالت‌خواهی، صلح‌طلبی و کرامت انسانی شکل گرفته است؛ گفتمانی که همواره در معرض تحریف، تخریب و فشارهای نظام سلطه جهانی قرار داشته است.

برای برگزاری این اجلاس فراهم شده بود، تهاجم غیرقانونی و تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت ملی ایران، که با حمایت نظامی و رسانه‌ای قدرت‌های سلطه‌گر بین‌المللی همراه شد، موجب برهم‌خوردن نظم برنامه‌ریزی‌شده و تعلیق موقت این ابتکار فرهنگی شد که به فاصله‌ای کمتر از دو هفته تا زمان برگزاری اجلاس، پیام غیررسمی سازمان جهانی گردشگری مبنی بر بروز نگرانی‌های امنیتی، از تعویق اجتناب‌ناپذیر این رویداد حکایت داشت.

دیپلماسی فرهنگی، گردشگری و شهری، تصویری نوین، اصیل و تمدن‌محور از تهران در سطح جهانی ارائه دهد. وی، با اشاره به اهمیت این رویداد در ارتقای جایگاه بین‌المللی تهران و بازتعریف گفتمان گردشگری شهری در تراز جهانی، تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران این اجلاس را فرصتی راهبردی برای بازنمایی ظرفیت‌های فرهنگی، زیست‌محیطی و تمدنی پایتخت ایران در چهارچوب یک دیپلماسی فرهنگی مؤثر و چندجانبه‌گرا تلقی می‌کند. وی افزود: در حالی که تمامی تمهیدات اجرایی و محتوایی

رئیس اجلاس جهانی گردشگری شهری با اشاره به تعلیق موقت اجلاس جهانی گردشگری شهری؛ گفت: مسیر اعتلای جایگاه بین‌المللی تهران را با اراده‌ای استوار ادامه خواهیم داد و جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر پشتوانه فرهنگی و اراده ملی از مسیر تمدنی خود باز نمی‌ماند.

سیدمحمدحسین حجازی با اشاره به تعلیق موقت برگزاری این رویداد بین‌المللی در تهران به دلیل تحولات اخیر منطقه‌ای و ملاحظات امنیتی، تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران همچنان مصمم است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های



فوق ستاره فوتبال جهان قرارداد خود را با تیم النصر عربستان تمدید کرد.

کریستیانو رونالدو که از ابتدای سال ۲۰۲۳ با تیم النصر در لیگ عربستان توپ می‌زند بعد از یک دوره مذاکره طولانی قرارداد خود را با این تیم تمدید و به مدت ۲ فصل دیگر در لیگ فوتبال سعودی‌ها ماندگار شد. رونالدو ۴۰ ساله اکنون به دنبال آن است تا بتواند در ششمین جام جهانی متوالی حضور پیدا کند. این عجبویه فوتبال دنیا در جام‌های جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۲۰۱۰ آفریقا جنوبی، ۲۰۱۴ برزیل، ۲۰۱۸ روسیه و ۲۰۲۲ قطر حضور داشته و در تمام ادوار موفق به گلزنی شده است.

رونالدو چندی پیش با تیم ملی پرتغال موفق به شکست اسپانیا و کسب عنوان قهرمانی لیگ ملت‌های اروپا شد.

کاپیتان تیم ملی فوتبال پرتغال در ۷۷ بازی برای النصر عربستان ۷۴ گل به ثمر رسانده است و یکی از رویاهای این بازیکن رسیده به رکورد بی‌نظیر یک هزار گل در بازی‌های رسمی است.

مستطیل سبز، آینه انقلاب؛

## فوتبال بی‌ریشه، فرهنگ بی‌فریاد

حسن صانع‌پور



و با سود و درآمد کلان ادامه یافته و در نهایت با تبدیل شدن به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی تکمیل خواهد شد، اما آنچه در فوتبال ایران تاکنون اتفاق افتاده، هزینه‌های بزرگ و کوچکی است که با کمترین دستاورد ممکن روبه‌رو بوده است. علت این امر فقدان طرح‌های اقتصادی کارآمد و البته مناسب با مقوله مهمی چون صنعت عظیم فوتبال است. فوتبال ایران بخصوص فوتبال باشگاهی ایران هنوز هم نتوانسته است بنگاه‌های بزرگ اقتصادی را برای سرمایه‌گذاری صحیح در این رشته توجیه کند. آنچه دیده شده است مالکیت دولتی یک یا چند شرکت بزرگ بوده که صرفاً بخشی از درآمد خود را صرف فوتبال کرده و هر از گاهی با تغییرات مدیریتی به پایان رسیده است. «نمونه بارز آن را در باشگاه‌داری وزارت نفت می‌توان ملاحظه کرد». طرح اقتصادی مناسب فوتبال موضوعی نیست که در برهه‌ای از زمان و با تشکیل کارگروه‌های مختلف برنامه‌ریزی شده و سپس در آزمون و خطاهای اشتباه به ثمر برسد. بلکه یک حرکت ملی بزرگ محسوب می‌شود که باید در بخش اقتصادی جامعه و توسط متخصصان بدان پرداخته شده و نقاط ضعف و قوت آن بررسی و در کمترین زمان ممکن اجرایی شود.

### زیرساخت و نگاه سطحی

آنچه درحال حاضر درخصوص زیرساخت‌های فوتبال ایران دیده شده است، بدون تعارف و بدون حب و بغض، نگاه سطحی به زیر ساخت‌های حوزه فوتبال است. نگاهی که به یکباره متوجه معضلات و مشکلات شده و آنی تصمیم می‌گیرد. «طرح مصنوعی کردن چمن‌های فوتبال در حالی که این نوع چمن شرایط ویژه‌ای در خصوص نگهداری، زمان برگزاری مسابقات و آسیب‌دیدگی دارد، از همان دست تصمیمات آنی است که بعد از مدتی با شکست مواجه می‌شود». استادیوم آزادی که در حقیقت اعتبار فوتبال ایران است بعد از گذشت دو الی سه سال هنوز نیز تکمیل نشده است. هیچ امکاناتی به لحاظ ملزومات فوتبال آنطور که شایسته است به بدنه فوتبال اضافه نشده و باشگاه‌های بزرگ ایران اغلب درخصوص شرایط تمرین و آماده سازی پیش فصل و میان فصل با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. قدر مسلم نباید از این وضعیت انتظار موفقیت پایدار داشت.

### ضعف‌های فرهنگی

فرهنگ بخش بزرگی از صنعت عظیم فوتبال است. این نکته در ایران اسلامی مسلماً باید بطور ویژه دنبال گردد، اما بد اخلاقی‌های موجود که آن را باید ضعف‌های فرهنگی فوتبال تلقی کنیم، همچنان وجود داشته و گاهی متأسفانه نسبت به جوامع غیراسلامی در وضعیت نامناسب‌تری بسر می‌برد. این در حالی است که در تمامی آموزه‌های اسلامی و کتاب عظیم الشان قرآن تأکید ویژه‌ای به اخلاقیات شده است. بد اخلاقی‌های که آرامش فوتبال را در مستطیل سبز و روی سکوها برهم زده و به تلنگری تبدیل به بحران می‌شود. در این بین فضای مجازی نیز به این مقوله بیشتر از هر چیزی دامن زده است. البته باید اعتراف کرد این بد اخلاقی‌ها ریشه در ضعف‌های فرهنگی جامعه نیز دارد. به تعبیری مشکلات فرهنگی جامعه باعث شده است تا مقاومت لازم در خصوص بد اخلاقی‌ها در فوتبال وجود نداشته باشد، «یا به میزان پایین‌تر از حد تصور وجود داشته باشد» و در نهایت کار برای پرداخت به زیرساخت‌های فرهنگی فوتبال دشوار شود.

### دو باشگاه دو سرمایه

استقلال و پرسپولیس بی‌گمان دو سرمایه غیرقابل انکار فوتبال ایران هستند. دو مجموعه‌ای که ریشه در ذهن و قلب دوستداران خود داشته و پتانسیل ویژه‌ای برای پرداختن به مسائل اقتصادی و فرهنگی دارند. دو تریبون عظیم که می‌توانند پیام انقلاب مردمی ایران را

به طور مداوم به جهانیان مخابره کنند، اما آنچه در این دوباشگاه در حال اتفاق افتادن است، آن چیزی نیست که بتواند در سرنوشت کشور تاثیرگذار باشد. کشوری که با خون و جان شهیدان از دیر باز آبیاری و رشد کرده و حالا باید ستون‌های استوار خود را با مقوله‌ها مختلفی از جمله فوتبال استحکام بیشتری ببخشد. «اما برآستی شرایط دو باشگاه به گونه‌ای هست که بتوان به این مهم با حداکثر توان ورود کرد؟» پاسخ اگر منفی نباشد حداقل قاطع نیز نخواهد بود.

### انقلاب فرهنگی یک پیش‌نیاز

در همین اتفاقات اخیر منطقه خاورمیانه، مردم ایران از هر طیف و قبیله و مرامی، نشان داندند تمامیت ارزی ایران و سرنوشت کشور فارغ از هر عقیده و نظری، برای آنان بیشتر از هر چیزی مهم است. این بدان معناست که ایران بزرگ یک پتانسیل ویژه و منحصر به فرد به نام مردم دارد، اما اینکه ما در جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم و اینکه گاهی دشمن موفق شده است به لحاظ فرهنگی در ایران رسوخ کند، به ضعف‌های ریز و درشت فرهنگی برمی‌گردد. ضعف‌هایی که باید با یک انقلاب فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و نقاط کور و پنهان آن شناسایی شده و در نهایت راه حل درستی برای آن اندیشیده شود. پرواضح است که هر انقلابی ابتدا باید بخش اعظمی از آنچه وجود دارد را بشکند و یا تخریب کند و جایگزین‌های برتری را برای آن شناسایی و نهاده‌ای نماید. انقلابی که البته باید توسط مسئولان برنامه‌ریزی و آغاز شده و مجریان آن نیز مردم با غیرت و همیشه حاضر ایران زمین خواهند بود.

هجوم وحشیانه درندگان جهانی و در رأس آن نوحه سگ صهیونیستی، دو دستاورد بزرگ برای ملت بزرگ ایران داشت؛ ابتدا اینکه همت و اراده این ملت غیور اجازه تجاوز به هیچ قدرتی را نداده و نمی‌دهد و دوم نگاه ویژه به مسائلی چون اتحاد در سایه فرهنگ و اقتصاد برتر می‌باشد که لازم است مورد توجه تمام ایرانیان قرار بگیرد. پُر واضح است که جامعه ایران به لحاظ فرهنگی دچار ریز اخلاقی‌های مضر شده است که باید آن را موشکافانه مورد بررسی قرار داده و راه حل منطقی برای آن در نظر گرفته شود. همچنین مشکلات اقتصادی نیز فشار مضاعفی در راستای انحراف طیف جوان به جامعه اسلامی ایران آورده است. در ادامه سعی کرده‌ایم که مسائل گوناگون و مبتلابه جامعه را از دریچه فوتبال مورد بررسی قرار بدهیم؛

### انقلاب و فوتبال

ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خیلی سریع به اهمیت مقوله مهمی چون فوتبال پی برد و شرایط فعالیت آن را فراهم نمود. بزرگان کشور نیز به این مقوله نگاه ویژه‌ای داشته و اگر جنگ هشت ساله عراق بر ایران تحمیل نمی‌شد، چه بسا فوتبال این سرزمین در حال حاضر شرایط متفاوت‌تری به خود می‌دید. اما در موازات مشکلات جنگ و بعد از آن سازندگی که مقارن با حملات ناجوانمردانه اقتصادی و فرهنگی دشمنان بود، مقوله فوتبال در حاشیه قرار گرفته و پیش نیازهای ضروری آن مورد توجه ویژه قرار نگرفت. «هرچند در تمامی این سال‌های لیگ فوتبال کشور در اکثر رده‌ها و در سطوح مختلف فعال بوده و در لابلای همه مشکلات افتخار آفرینی نیز کرده است»، اما خروجی آن هرگز با دورنمای متصور شده خوانایی نداشته و گاهی نیز دچار سلاقی و اختلافات ریز و درشت نیز شده است. به هرحال باید گفت؛ انقلاب به ایران بزرگ هویت داد و لاجرم می‌تواند به فوتبال این سرزمین نیز ایهت ببخشد.

### طرح‌های اقتصادی کارآمد

آنچه در فوتبال بیشتر از هر چیزی مهم است، اقتصاد و متعلقات مربوط به آن است. در اقتصاد مربوط به فوتبال، کار از سرمایه گذاری صحیح و اصولی آغاز

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر برای شماره ۰۷۰۰۰۷۳۳۱۰۵۷۰۶۰۷۰۱۴۰۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهره وثوق ملکی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۳۷۴۷ صادره از تهران در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۴۸/۳۴ مترمربع از پلاک ۱۱۵۳ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در ماهدشت احمدآباد خ کارگر خ ریحان خریداری از مالک رسمی آقای رحیم کرمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی م ی شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۴۷۴۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۲ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

## آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر برای شماره ۰۷۰۰۰۷۳۳۱۰۵۷۰۶۰۷۰۱۴۰۶ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای پرویز احمدی فرزند محمدحسین بشماره شناسنامه ۵۲۹۱ صادره از تهران در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۴۸/۳۴ مترمربع از پلاک ۱۱۵۳ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در ماهدشت احمدآباد خ کارگر خ ریحان خریداری از مالک رسمی آقای رحیم کرمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی م ی شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۵۴۷۴۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۲ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج





# جنایات جنگی اسرائیل در حمله به ایران



حمله به ۹  
آمبولانس



خسارت به  
۱۱ بیمارستان و مرکز درمانی



حمله به ۴ بیمارستان  
و مرکز درمانی



شهادت ۵  
کادر درمان



شهادت ۶۱۰  
غیرنظامی



مجروحیت ۴۷۴۶  
غیرنظامی



مصدومیت و شهادت  
۷۸ کودک



شهادت ۶  
خبرنگار و فعال رسانه‌ای



حمله به  
صداوسیما



حمله به ۲  
میدان گازی



ترور ۱۲+ دانشمند  
هسته‌ای



حمله به ۴ مرکز  
تحقیقات هسته‌ای

## کدام قوانین بین‌المللی نقض شدند؟



نقض ماده ۵۱  
منشور ملل متحد



نقض کنوانسیون  
ژنو ۱۹۴۹



نقض ماده ۲  
منشور سازمان ملل



نقض اصل  
مصونیت خبرنگاران



نقض قوانین  
حقوق بشر



نقض ماده ۱۲ اساسنامه  
آژانس جهانی هسته‌ای





■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد ۲ -

■ پلاک ۱ -

■ طبقه ۲ -

■ کوچه میثم -

■ بلوار جمهوری شمالی -

■ کرج -

■ بلوار جمهوری شمالی -

■ کوچه میثم -

■ پلاک ۱ -

■ طبقه ۲ -

■ واحد ۶ -

■ تلفن: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۱۸۴۱

■ شماره: ۱۴۰۴

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴  
شمارگان ۱۸۴۱

# یہ کھڑے مکتاہ؟!

در حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی لبخندانسان  
برای همیشه خاموش شد و به شهادت رسیدند

*War is met with war, bombing  
with bombing, strike with strike*